

بانک‌های خارجی نخواهند داشت. (طیبی فرد، ۱۳۸۴، ص. ۲۶۳) در این میان پرسش اساسی این است که، در صورت نقض تعهدات بین‌المللی مقابله با تروریسم و تأمین مالی آن، چگونه می‌توان مسئولیت را متوجه دولت‌ها نمود؟ به دیگر سخن چه راهکارهایی برای پاسخ‌گو نمودن دولت‌ها در قبال نقض تعهدات بین‌المللی مرتبط با تروریسم و تأمین مالی آن وجود دارد؟ از آنجاکه تروریسم اقدامی مجرمانه به شمار می‌آید و براساس حقوق بین‌الملل عرفی، اصولاً دولت‌ها نمی‌توانند موضوع حقوق بین‌الملل کیفری باشند، از این رو دولت‌ها را نمی‌توان مرتکب اعمال تروریستی قلمداد نمود. اما در خصوص حمایت مستقیم یا غیرمستقیم دولت‌ها از تروریسم اسناد بین‌المللی فراوانی تدوین شده که ارتکاب چنین عملی از جانب دولت‌ها را محکوم می‌نماید. بر این اساس مسئولیت کیفری ناشی از ارتکاب عملیات تروریستی را می‌توان به کارگزاران دولتی دخیل در این گونه اقدامات منتسب نمود؛ و علاوه بر آن مسئولیت مدنی دولت متبوع آن‌ها نیز قابل طرح است. (زر نشان، ۱۳۸۶، ص. ۸۲)

البته دولت‌ها همواره سعی می‌کنند به گونه‌ای عمل نمایند که از اتهام تروریستی بودن دور بمانند، به همین خاطر کمتر دولتی خود مستقیماً در سازمان‌دهی و طراحی فعالیت‌های تروریستی مشارکت می‌کند، بلکه بیشتر از طریق تشویق، تحریک و یا کمک‌های غیرمستقیم به حمایت از تروریسم می‌پردازد. بر اساس ماده‌ی ۸ پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل ارائه شده است، در صورتی که رفتار (غیرقانونی) شخص یا گروهی، به دستور مستقیم یا تحت مدیریت دولت ارتکاب یافته باشد، به موجب حقوق بین‌الملل آن رفتار به دولت منتسب خواهد شد. بنابراین تردیدی نیست که امروزه هرگونه پشتیبانی و حمایت از اقدامات تروریستی، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در قالب سازمان‌دهی، تشویق، تحریک، کمک، مشارکت و غیره، نقض منشور و حقوق بین‌الملل است. همان‌گونه که اشاره شد شورای امنیت با صدور قطعنامه‌ی ۱۳۷۳ به صراحت با دولت‌ها اتمام حجت نموده است. پس از آن نیز با صدور قطعنامه‌های دیگری ضمن یادآوری تعهدات مندرج در قطعنامه‌ی ۱۳۷۳، بر